

«پیشوندها و پسوندها»

اجزایی که در ابتدا و انتهای کلمه‌ها می‌آیند و مفهوم جدیدی به آنها می‌بخشند، «پسوند و پیشوند» هستند.

پیشوندهای معروف عبارت‌اند از:

بی: بی‌کار، بی‌هوش، بی‌ادب، بی‌هنر، ...

با: باادب، باهوش، باخدا، باتربیت، ...

هم: هم‌دل، همراه، همکار، همسر، همسایه، ...

نا: ناشناس، نامرتب، ناهماهنگ، ناسازگار، ...

پسوندهای معروف نیز عبارت‌اند از:

بان: به کلمه مفهوم «محافظت و نگهبانی» می‌دهد. مانند: نگهبان، باغبان، پاسبان، دروازیان، دربان، ...

دان: مفهوم «جا و ظرف نگهداری» دارد. مانند: نمکدان، قلمدان، شمعدان، گلدان، ...

ستان: پسوند «مکان» است. مانند: گلستان، کوهستان، بیمارستان، هنرستان، ...

سار: در اغلب موارد معنی «مکان و فراوانی» می‌دهد. مانند: کوهسار، چشمه‌سار، شاخسار، ...

زار: پسوند «مکان» است و دلالت بر «فراوانی» می‌کند. مانند: گلزار، لاله‌زار، چمن‌زار، علف‌زار، سبزه‌زار، ...

گر: در بیش‌تر موارد معنی «شغل و کار» می‌دهد. مانند: آهنگر، کارگر، رفتگر، مسگر، سفالگر، کوزه‌گر، ...

گاه: پسوند «زمان و مکان» است. مانند: توقفگاه، آزمایشگاه، پرتگاه، دانشگاه، سحرگاه، صبحگاه، ...

وار: گاهی معنی شباهت می‌دهد. مانند: دیوانه‌وار، برادروار، ... و گاهی در معانی دیگر به کار می‌رود. مانند:

امیدوار، بزرگوار، ...

چه: این پسوند معنی «کوچکی» به اسم می‌دهد. مانند: باغچه، آلوچه، طاقچه، کتابچه، دفترچه، ...

گار: مانند: آموزگار، پروردگار، ماندگار، روزگار، یادگار، پرهیزگار، آفریدگار، ...

گین: این پسوند «صفت» می‌سازد. مانند: غمگین، اندوهگین، شرمگین، خشمگین، ...

ناک: این پسوند نیز «صفت» می‌سازد. مانند: غمناک، اندوهناک، بیمناک، وحشتناک، ترسناک، دردناک، ...

مند: معنی «دارندگی و مالکیت» می‌دهد. مانند: هنرمند، کارمند، دانشمند، هوشمند، خردمند، ...

نده: صفت می‌سازد. مانند: دونده، بیننده، خواننده، شنونده، نویسنده، پذیرنده، جوینده، گوینده، ...

ان: علاوه بر این که نشانه‌ی «جمع» است، معانی دیگری هم دارد. مانند: بامدادان، سحرگاهان، خاوران،

خواهان، گریان، خندان، ...

انه: این پسوند برای تشبیه و نسبت دادن به کار می‌رود و اسم، صفت و قید می‌سازد. مانند: دلیرانه، شجاعانه،

صبحانه، عصرانه، روزانه، ...

ار: این پسوند با بُن فعل ترکیب می‌شود. مانند: دیدار، گفتار، کردار، خریدار، پرستار، نوشتار، گرفتار، ...

ا: در آخر «بن مضارع» می‌آید و صفت می‌سازد. مانند: دانا، توانا، بی‌نا، شنوا، گیرا، ...

این پسوند گاهی به آخر صفت اضافه می‌شوند و اسم می‌سازد. مانند: گرما، سرما، درازا، پهنا، ...

ه: این پسوند با کلمه‌های مختلفی ترکیب می‌شود. مانند: ناله، گریه، گیره، دسته، چشمه، گوشه، گفته، نوشته،

روزه، هفته، ...

ی: این پسوند هم با اقسام مختلفی از کلمه‌ها ترکیب می‌شود. مانند: آهنی، چوبی، ابری، خوبی، بدی، رفتنی،

خواندنی، ...